

شوهر آهو خانم

علي محمد افغاني



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

مختصری از گفته‌های صاحب‌نظران و منتقدان دربارهٔ این کتاب:

آقای نجف دریابندری در مجلهٔ سخن دورهٔ دوازدهم شمارهٔ ۸ آذرماه ۱۳۴۰ چنین می‌نویسد:

نویسنده در این داستان از زندگی مردم عادی اجتماع ما، تراژدی عمیق پدید آورده و صحنه‌هایی پرداخته است که انسان را به یاد صحنه‌های آثار «بالزاک» و «تولستوی» می‌اندازد. دو این نخستین بار است که یک کتاب فارسی به من جرئت چنین قیاسی را می‌دهد. علی محمد افغانی در «شوهر آهو خاتم» نشان می‌دهد که نویسنده‌ای است تیزبین که حرکات زن و مرد و کودک و حتی سگ و گربه را به خوبی می‌بیند. از اختلافات آسیابان و نانوا تا دعوی دو هوو و کتک‌کاری زن و شوهر، همه را می‌تواند چنان توصیف کند که خواننده صحنه را پیش چشم خود مجسم ببیند. از اسرار زنان و عوالم کودکان خبر دارد. در هر گوشه از زندگی می‌تواند زیبایی را ببیند و آن را به قدرت تمام ستایش کند. آدم‌های او آدم‌هایی واقعی هستند که در هر کجای داستان پیدا شوند و گوشه‌ای از شخصیت آنها بازگو شود، این گوشه با گوشه‌های دیگر که در جاهای دیگر دیده‌ایم چنان جفت می‌شوند که از مجموع آنها آدم کامل و صحیح پدید می‌آید. به علاوه او آدم‌ها را به دو دسته خوب و بد - چنانکه شیوهٔ نویسندگان رمانتیک است - تقسیم نمی‌کند. حتی کسی که مرتکب کاری شبیه به جنایت می‌شود همچنان انسان باقی می‌ماند و نویسنده محبت خود را از او دریغ نمی‌دارد.

آقای دکتر سیروس پرهام در مجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ دهم سال چهارم دیماه ۱۳۴۰:
بی‌گمان، بزرگ‌ترین رمان زبان فارسی به وجود آمده و (با قید احتیاط) تواناترین داستان‌نویس ایرانی، درست همان لحظه‌ای که انتظارش نمی‌رفت، پا به میدان نهاده است.

رمان «شوهر آهو خاتم» علی محمد افغانی، که نخستین اثر این نویسنده تازه رسیده است، خلاء دیرین رمان فارسی را پر می‌کند. خلاء عمیقی که با وجود «چشم‌هایش» بزرگ علوی تاکنون پر نشده بود. اگر م.ا. به آذین رمان «خانواده امین‌زادگان» را به پایان می‌رساند و یا تقی مدرسی سرانجام پر و سواس خود چیره می‌شد و رمان «شهر کلاغان» را منتشر می‌کرد، این افتخار نصیب آنان می‌گشت. اما علی محمد افغانی با اولین ضربه خود کوهی در دل این دره ژرف فرو ریخته و این شکاف کهن را یکباره پر کرده است.

«شوهر آهو خاتم» آئینه تمام‌نمای اجتماع ما و به حقیقت دایره‌المعارف عظیمی است از زندگی دورانی که به شتاب سپری می‌شود. هنر اصلی نویسنده در نحوه نگارش داستان و حتی در تعبیرات بکر و بی‌شمار و توصیف‌های گویای او نیست؛ هنر بزرگ وی این است که با آفریدن ده‌ها انسان حقیقی و به جنبش درآوردن صدها حادثه واقعی، از یک دوران خاص اجتماعی پرده بر گرفته و سیر واقعی آن را با همه زیر و بم‌ها و سایه‌روشن‌هایش، پدیدار کرده است. ماجراهای این کتاب سرگذشت یک یا چند تن و حوادث آن وقایع روزانه یک یا چند شهر نیست، بلکه تمامی روزگار و ماجرای زمانه همچون شط پهنآوری در آن جاری است و اهمیت این رمان در همین است، در اینکه همچون آئینه چهار بعدی عظیمی خصوصیات برجسته روزگار ما را منعکس ساخته است.

دردها و رنج‌هایی که زندگی آدم‌های این سرگذشت را گرانبار کرده است غم‌ها و افسردگی‌های انفرادی و خصوصی نیست، مصائب و اندوه چندین نسل از نژاد آدمی و سختی‌ها و دلهره‌ها و نامرادی‌های یک دوران است. آدم‌های بی‌شمار این رمان شگرف هیچ یک ساخته و پرداخته ذهن نویسنده نیستند، همگی وجود خارجی دارند و با همه گوشت و خون و بی‌خود زنده‌اند. این جان‌های پر آشوب چنان با ما آشنا و مأنوسند که چه بسا آنها را سرسری می‌گیریم، چون هیچ چیز غیر عادی و خصوصیات خارق‌العاده در آن نیست. آهو خاتم را می‌توان در هر خانه این مرزوبوم دید. شوهرش «سید میران» در هر کوچه و بازاری با ما روبه‌رو می‌شود و همسایه‌هایشان همسایه دیوار به دیوار ما هستند. عظمت کار علی محمد افغانی در همین است که یک سنغوفی جاویدان، یک ندای پر شور بشری و یک فریاد عالمگیر را از گلوی افراد عادی طنین‌انداز کرده است. از همه مهم‌تر اینکه «شوهر آهو خاتم» آکنده است از نمونه‌های واقعی زن ایرانی. برای نخستین بار در ادبیات فارسی بارگرانی را که قرن‌هاست بر دوش زنان نهاده‌اند، همه جور و ستم

مرد به زن در طول نسل‌های گذشته، همه مظلومیت و خواری و سرگشتگی این طبقه محروم دردکشیده نمایان گشته و نهفته‌ترین زاویه‌های این تنگ بشری بر ملا شده است... قدرت بینش و احاطه او بر روحیات آدمی و رخنه‌ای که در جان‌ها کرده است چنان است که گویی نوشته او از درون همان چیزهایی می‌تراود که وی توصیف می‌کند. مثل اینکه زندگی ثانوی او در اندرون آدمیان و در کنه حوادث است. همچون نسیمی آرام و سبک بر همه چیز و همه کس می‌گذرد و رایحه‌های نهفته و ناشنیده را در خود می‌کشد و در دورافتاده‌ترین زوایا و اعماق هستی می‌پراکند. او را اشراق بر خاطر هاست که از حد نویسندگان تردست حرفه‌ای به‌دور است. حالتی آمیخته از کشف و الهام و «تله‌یاتی»، احساسی که هم شاعرانه و هم صوفیانه است، حجاب‌ها را از برابر دیدگان وی بر می‌دارد و آنگاه چیزی که به سیلاب بیشتر شبیه است تا به گردش سنجیده و حساب شده قلم، بر صفحات کاغذ جاری می‌شود. راست است که سبک نویسندگی کهنه او، که خواننده را به یاد رمان‌های «بالزاک» و «استاندال» و «دیکنس» و «تاکری» و «تولستوی» می‌اندازد، نظم و سنگینی خاص و حتی خشکی‌ده‌ای به نثر و انشاء وی داده است، اما این نظم و صلابت نه چندان است که سیلاب اندیشه‌اش را در خود نگاه دارد و غلیان آن را مانع شود. همچنین سوءتعبیر نشود و گمان نرود که نویسنده در حال جذب و خلسه افکار خود را بر روی کاغذ آورده است. ولی بی‌شک همه تسلط و احاطه خود را مدیون مشاهدات عینی خویش است. نیروی او زاینده مشاهده و تجربه و تأمل است. اما دانش عینی و واقع‌بینانه‌اش، که به ممارست و فراست فرا آمده چنان قوام گرفته و جا افتاده و چنان پخته شده و تلطیف گشته که گویی یکسره تبخیر و تقطیر شده است. و همه این سیلان و روانی، این انبوهی و فراوانی، از اینجاست. و نیز همین است که نویسنده پیام‌های خود را با حوصله و آرامش کم‌مانندی در لفافه حوادث می‌پیچد و هیچگاه نظریات خاص و یا انتقادات خود را صریحاً و مستقیماً بیان نمی‌کند.

آقای دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مجله یفا شماره یازدهم سال چهارم بهمن ماه ۱۳۴۰ می‌نویسد:

پس از خواندن کتاب «شوهر آهو خاتم» من چون کسی هستم که خواب شگفت آور خوشی دیده است و نمی‌تواند از تعریف آن برای دیگران چشم ببوشد. این اثر درست زمانی فرا رسیده که هیچ‌کس انتظارش را نداشته. در این دوران جنگ و ننگ و در

مجبوره خودنمایی این همه ذوق‌های علیل و قلم‌های «بنجل» و آلوده جا دارد که دهان انسان در برابر چنین کتابی از تمجیب بازماند. نام علی محمد افغانی که رمان «شوهر آهو خانم» را در ۸۶۳ صفحه نوشته و به خرج خود نشر داده تا سه ماه پیش به عنوان نویسنده به گوش هیچ کس نغورده بود و اکنون اگر بخواهیم بزرگ‌ترین داستان پرداز زبان فارسی را نام ببریم بی‌گفت‌وگو جز وی کس دیگری نمی‌تواند بود.

زبان فارسی چون گاو گوساله گمشده‌ای بود که چند گاهی از شیر دادن باز ایستاده بود و اینک باز چنانکه گویی بچه‌اش را دمی در برابرش قرار داده‌اند، بادی‌های لبریز از شیر سفید کف کرده و گوارا عرضه کرده است... از همان صفحه اول کتاب، لحن تازه کلام و سرشاری و طراوت آن ما را می‌رباید. فکرها و صحنه‌های رنگارنگ پشت سر هم می‌آید بی‌آنکه بیم آن باشد که ذخیره آنها به پایان رسد. به نظر می‌آید که نویسنده سال‌ها پیش از آغاز کردن کتاب، توشه‌ای هنگفت برای سفری دراز اندوخته است و با اطمینان خاطر روبه‌راه می‌نهد.

اگر «صادق هدایت» را استثنا کنیم، دیگر هیچ کس را نخواهیم یافت که با آن همه استادی و لطف مثال‌ها و کنایه‌های فارسی را به کار برده باشد. «شوهر آهو خانم» خزان‌های است از تمثیل‌ها و لطیفه‌ها و اشاره‌های مذهبی و اساطیری و تاریخی، آنچه مایه تحسین و اعجاب است، نه احاطه او بر این نکات بلکه طرز گنجاندن و به کار بردن آنهاست.

نیروی بینش نویسنده هراس‌آور است. نگاهش چون نگاه عقاب، نفوذ می‌کند، تا نهانگاه‌های جسم و روح فرو می‌رود و طعمه خود را بر می‌گیرد. ذهن او بی‌درنگ آنچه را به چشم دیده است با اجزاء پراکنده یادها و تخیل‌ها و ادراک‌ها پیوند می‌دهد، سپس نوبت به کلمات می‌رسد تا محصول ذهن را در قالب خود جای دهد.

خلاصه آنکه «شوهر آهو خانم» بدون گفت‌وگو در زبان فارسی شاهکاری است. انتشار آن نه تنها از نظر ادبی نویدبخش و شورانگیز و دلگرم‌کننده است، بلکه از لحاظ تاریخی و اجتماعی نیز در حد خود دلیلی است بر آنکه از ایرانی نباید امید برگرفت. به رغم تلخکامی‌ها و فروماندگی‌ها، به رغم سمومی که در هوا پراکنده است، هنوز ایران می‌تواند، درست در لحظه‌ای که انتظار نمی‌رود، شگفتی‌هایی از آستین بیرون آورد.

کتاب برگزیده سال - (نقل از روزنامه کیهان شماره ۵۶۰۵ چهارشنبه ۲۳ اسفندماه ۱۳۴۰):

کتابی که اینک به عنوان «داستان برگزیده سال ۱۳۴۰» انتخاب شده است یک رمان بزرگ ایرانی است که چند ماه قبل بدون هیچگونه سروصدا و اعلام قبلی توسط نویسنده کتاب انتشار یافت. علی محمد افغانی نویسنده «شوهر آهو خانم» قبل از انتشار این کتاب گمنام و ناشناخته بود و کتاب او نیز تا مدتی پس از انتشار ناشناس ماند. تنها یکی دو ماه پس از انتشار کتاب بود که منتقدان و کتابشناسان متوجه شدند شاهکاری در ادبیات فارسی به وجود آمده است. «شوهر آهو خانم» نخستین رمان ایرانی است که در نزدیک به ۹۰۰ صفحه منتشر شده است و خواننده با خواندن چند صفحه از کتاب احساس می‌کند که دریچه دنیای تازه‌ای به رویش گشوده می‌شود. قهرمانان این کتاب همه سپاهای آشنا و مردم کوچ و بازاری‌ها که خواننده به ناچار خود را با غم‌ها و شادی‌هایشان شریک می‌بیند... انجمن کتاب از میان داستان‌های نویسندگان ایرانی که در طول ۱۳۴۰ منتشر شده بود، «شوهر آهو خانم» را که بیش از سه ماه از انتشار آن نمی‌گذرد، بهترین رمان ایرانی سال شناخت.

انکاس در خارجه: «بزرگداشت دانشیار دانشگاه کمبریج از ادبیات نو فارسی». بولتن هفتگی شماره ۴۰۱ چهارشنبه ۶ تیرماه ۱۳۴۱ سفارت کبرای انگلیس تحت عنوان فوق خبر می‌دهد:

«پیترا یوری» دانشیار زبان و ادبیات فارسی در کینگز کالج کمبریج امروز به هنگام سخن گفتن در انجمن ایران در لندن اهمیت تحول تازه‌ای را که در ادبیات فارسی پدیدار شده است خاطر نشان حاضران ساخت. ایوری که سیر ادبیات فارسی را از قرن نوزدهم تا زمان حال مورد بررسی قرار می‌داد گفت: «با آنکه تا کنون مقدار عظیمی از ادبیات خارجی به زبان فارسی ترجمه شده است و میزان نشر کتاب نیز در ایران به پایه درخور توجهی رسیده است با این همه تا انتشار رمان بزرگ «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی در سپتامبر ۱۹۶۱ ادبیات فارسی از نظر آثار آفریننده و اصیل سخت نادار بود. ولی اکنون با انتشار رمان علی محمد افغانی این دوره به پایان رسیده است و تحول تازه‌ای در ادبیات خلاقه فارسی پدید آمده است. این کتاب در هر کشور دیگری نیز که منتشر می‌شد در خور توجه می‌بود ولیکن نشر آن در ایران نشانه دیگری است بر طراوت اندیشه، ادب، و ذهن آفریننده ایرانی.» ایوری آنگاه گفت: «این رمان نه همان نشانی است بر آنکه از نوبغ ایرانی هنوز آثار گرانقدری می‌تراود بلکه دلیلی است بر آنکه